

سلسلهٴ من یرد الله به خیراً یفقهه فی الدین (۱۸)
خداوند به هر کس اراده خیر داشته باشد
او را در دین آگاهی میدهد

مختصری از اصول عقاید اهل سنت و جماعت

تألیف:

دکتر: ناصر بن عبدالکریم العقل

ترجمہ

إسحاق بن عبدالله الديری العوضی



مختصري از اصول عقايد اهل سنت و جماعت

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه مترجم

الحمد رب العالمين والعاقبة للمتقين ولا عدوان الا على الظالمين،
والصلاة والسلام على نبينا محمد وآله وصحبه اجمعين وبعد:

//

//

:

إن الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره ونتوب إليه ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا، من يهده الله فلا مضل له، ومن يضلل فلا هادي له، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله. وبعد:

این کتابچه مختصري از اصول اهل سنت و جماعت است که به طور مختصر و روشن تهیه و چاپ شده تا خواسته های طالبان علم را برآورده نماید و آنها بتوانند با استفاده از این مطالب ابهام و پیچیدگی‌های موجود را از ذهن خود پاک کنند. لازم به ذکر است؛ مطالب این کتابچه با توجه به عقاید پیشینیان و رعایت قواعد و نکات شرعی وارد شده از امامان نوشته شده است.

به همین خاطر این بحث از مثال های طولانی و تعریفات، و ادله، و اسما، و نقل قول، و حاشیه پردازی‌های، غیر ضروری خالی می‌باشد، زیرا هدف ما در نوشتن این مطالب در يك كتاب كوچك، خلاصه کردن و اختصار کلام بوده است، و ممکن است این بحث شالوده ای برای شخص متخصص باشد تا این نقص را برآورده نماید، و خواسته های کسی که می‌خواهد در مورد این مطلب بیشتری بداند اینها را بداند برآورده کند، و این بحث بر عهده چند نفر از اشخاص ذیل گماشته شده است:

١ - فضيلة الشيخ عبدالرحمن بن ناصر البراك.

٢ - دكتور حمزة بن حسين الفعر.

۳ - دكتور سفر بن عبدالرحمن الحوالي.
كه هر يك از آنان زحمت بسياري براي اين امر كشيده
است.
از خداوند متعال خواستارم اين عمل را فقط براي رضا
و خشنودي خود قرار دهد.

وصلی الله وسلم وبارك على المبعوث رحمة للعالمين، نبينا محمد وآله
وصحبه ومن تبعهم باحسان إلى يوم الدين.

ناصر بن عبدالكريم العقل ۱۴۱۱/۹/۳هـ

:

«عقیده» در لغت، از عقد و توثيق و احکام و پيوند با قوت گرفته شده است.
در اصطلاح: ايمان محکم که هیچ شك و تردیدی در آن نباشد.

پس عقیده اسلامي يعني:

ايمان محکم و قاطع به خدای تعالی، - و آنچه از توحيد و طاعت واجب می‌شود - و ايمان به فرشتگان، و کتاب های آسمانی، و پیامبران، و روز آخرت، و قدر و سرنوشت، و آنچه از امور غیبي ثابت شده است، و گفته های صحیح علمي و عملي.

سلف: اولین بزرگان این امت از صحابه و تابعین و ائمه برگزیده سه قرن برتر را سلف گویند، هم چنین هر کس از آن ها اقتدا و پیروي نماید، و بر روش و طریقه آن ها در بقیه عصرها و زمانها رود او را نیز سلفي گویند.

اهل سنت و جماعت: آن هایکه بر آنچه پیامبر ﷺ و صحابه بر آن بودند را اهل سنت و جماعت گویند.

بسبب تمسك و چنگ زدن و پیروي از سنت پیامبر ﷺ.

و جماعت: زیرا برای حق گرد آمده اند و در دین تفرقه و اختلاف نکرده اند، و بر امامهای حق جمع شدند، و از آنها روی برنگرداندند، و بر آنچه سلف این امت اتفاق کرده اند پیروي می‌کنند.

و هنگامی که آنها بر سنت رسول الله ﷺ و روش آن پیروی کردند، اهل حدیث و اهل اثر و اهل اتباع نامیده شدند، و به آنها الطائفة المنصورة (گروه تأیید شده) گفته می‌شود.



:

- ۱ - مصدر عقیده: قرآن و سنت صحیح رسول الله ﷺ و اجماع سلف صالح می‌باشد.
- ۲ - هر چه از رسول الله ﷺ ثابت شود قبول آن واجب است، گرچه از احادیث آحاد باشد.
- آحاد: یعنی حدیثی که فقط يك نفر از صحابه آن را روایت کرده باشد.
- ۳ - مرجع در فهم قرآن و سنت نص هایی است که بیان کننده آن در فهم پیشینیان صالح و کسی که از ائمه بر روش آنها رفته باشد، سپس آنچه از زبان و لغت عرب صحیح باشد بشرطی که با آنچه ثابت است با احتمالات لغوی تعارض و اختلاف نداشته باشد.
- ۴ - تمامی اصول دینی که رسول الله ﷺ آن را بیان فرموده است، و برای هیچ فردی جایز نیست که ادعای چیزی از دین بکند در حالی که آن چیز غیر دینی باشد.
- ۵ - تسلیم شدن به خدا و رسول خدا ﷺ به طور ظاهر و باطن، و چیزی از قرآن و سنت صحیح پیامبر ﷺ را نباید با میل، و یا الهام، یا قول شیخ، یا قول امام، و مانند آن مقایسه کند.
- ۶ - موارد عقلانی واضح و آشکار با نقل صحیح موافق هستند، و هیچ تعارض و برخورد فکری ندارند، و هرگاه در نظر شخصی تعارض و برخورد واقع شد، نقل صحیح بر

عقل مقدم است.

۷ - بایستی در عقیده الفاظ شرعی را به کار برد، و از الفاظ جدید که باعث فساد و تباهی در دین می‌شود دوری کرد؛ واژه‌هایی که کم و پر معناست و احتمال خطا و صواب نیز در آن وجود دارد و ممکن است تفسیر‌های نادرستی از آن بشود، در حالی که آنچه حق است با الفاظ شرعی ثابت می‌شود، و آنچه باطل است، رد می‌شود.

۸ - عصمت فقط مخصوص رسول الله ﷺ است، و امت اسلام به طور کلی از اجتماع بر ضلالت و گمراهی معصوم اند.

ولی همه ملت اسلام معصوم نیستند، و هر چه در آن اختلاف ورزند مرجع آنان کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ است، با علم به این که در اجتهاد نیز احتمال خطا می‌رود.
محدث: (عالم حدیث) کسی که حدیث نقل کند، کسی که سخنان پیامبر ﷺ را روایت کند.

۹ - در امت اسلام محدثینی هستند که اهام شده اند.
خواب نیک حق است، و آن هم جزوی از نبوت است، و زیرکی و هوشیاری انسان درست کار حق است، و این از کرامات و بشارت است، به شرطی که موافق شرع باشد، (خواب نیک) با این منبع و سرچشمه عقیده و شریعت نیست.
۱۰ - جدال در دین ناپسند است، ولی اگر جدال نیکو و خوب باشد مشروع است.

و چیزی که در اندیشیدن عمیق و گفتگو در آن نهی شده

بايد به آن امر اكتفا كند، و از چيزي كه مسلمان در آن علم و شناخت ندارد، بايد از گفتگو در آن مسأله باز ايستاده خودداري كند، و آن را به خداوند سبحانه واگذارد.

۱۱ - بایستی در پاسخ دادن به مسائل تکیه داد، هم چنان که در اعتقاد و گفته ها و بیانات می باشد، پس بدعت با بدعت دیگر پاسخ داده نمی شود، (بدعت پاسخ گوی بدعت نیست) و زیاده روی و کوتاهی در مسئله، با زیاده روی و غلو مقابله نمی شود، و هم چنین عکس بر آن.

۱۲ - هر چیز نو و تازه در دین بدعت است، و هر بدعت ضلالت و گمراهی است، و هر گمراهی و ضلالت در آتش جهنم است.



() :

۱ - اصل در اسما و صفات: اثبات آنچه خدا و یا رسول خدا ﷺ برای خداوند ثابت کرده اند، بدون هیچ تمثیل و چگونگی، و نفي آنچه خدا و یا رسول خدا ﷺ از خدا نفي کرده اند، بدون هیچ تحریف و دگرگونی چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿ [] ﴾.

[برای او هیچ مانند نیست، و او شنوا و بیناست].
با ایمان به معنای الفاظ و جملات آشکار و محکم قرآن، و آنچه بر آن دلالت می‌کند.

۲ - مانند کردن خداوند به چیزهایی که در این دنیا وجود دارد و بی‌توجهی به برخی از اسما الله و صفات او، کفر است.

ولی تحریف که اهل بدعت آن را تفسیر می‌گویند بعضی از آن کفر است مانند: تفسیرها و تأویل‌های گروه باطنیه و بعضی از آن بدعت و گمراهی است، مانند تفسیرهای کسی که صفات خدا را نفي می‌کند.

و بعضی از این تحریف‌ها غیر عمدی و سهوی و به طور اشتباه پیش می‌آید.

(تأویل: گردانیدن کلام، بر خلاف ظاهر معنی کردن آن، تفسیر باطن کلام).

(تمثیل: توصیف کردن، توضیح دادن، چیزی را چنان تصویر کنیم و شرح دهیم که گویا آن را می‌بینیم).

- ۳ - وحدت وجود، و اعتقاد و حلول، و داخل شدن خدا در چیزی از مخلوقات خود، با اتحاد و پیوستگی خدا به آن چیز، (و اعتقاد به این که خداوند به چیزی وابسته است) همه اینها کفری است که انسان را از دایره اسلام خارج می‌کند.
- ۴ - ایمان به فرشتگان کرام بطور کلی ایمان به آن چه با دلیل به طور مفصل و مشروح ثابت شده است، و از نامها و صفات و اعمال بوسیله آنچه به آن مکلف شده اند.
- ۵ - ایمان به تمامی کتاب های آسمانی، و این که قرآن مجید بهترین آنهاست، و آن نسخ کننده و جانشین آن کتاب هاست، و این که کتابهای پیش از آن دست خوش تحریف شده اند، و اطاعت از دستورات خدا که در قرآن آمده واجب است، ولی در کتاب های قبل از آن، این چنین نیست.
- تحریف: کج کردن، گردانیدن، تغییر و تبدیل دادن، و تغییر دادن کلام از شکل و معنی اصلی خود، بعضی حروف کلمه را عوض کردن، و تغییر دادن معنی آن.
- ۶ - ایمان به پیامبران و فرستادگان خدا - صلوات الله علیهم - و اینکه بهترین انسانها هستند، و کسی که ادعای غیر از این بکند کافر است.
- هر کس نشانه ها و دلیلی برای انتخاب خود از طرف خدا آورده باید به آن ایمان آورد، به بقیه آنها همه باید ایمان داشته، و این که محمد ﷺ بهترین آنها و خاتم الانبیاست، و خداوند او را برای تمامی بشریت فرستاده است.
- ۷ - ایمان آوردن به این که بعد از محمد ﷺ که خاتم

الأنبياء والمرسلین است، بر هیچ کس دیگری وحی نازل نشده، و هر کس بر خلاف این اعتقاد داشته باشد، کافر است.
 ۸ - ایمان به روز آخرت و آنچه از اخبار صحیح و علامت و نشانه ها و پیش آمدهای آن آمده است.

۹ - ایمان به سرنوشت، خیر و شر آن، همه از جانب خداست، و ایمان به این که خدا همه چیزها را، و اتفاقات را قبل از این که رخ دهد می‌داند، و آن را در لوح المحفوظ نوشته است، و هر چه بخواهد، می‌شود، و هر چه نخواهد، نمی‌شود، و هیچ چیز خود به خود اتفاق نمی‌افتد، مگر این که خدا آن را بخواهد، و خداوند بر همه چیز قادر و تواناست، و او آفریننده همه چیزهاست، و آنچه بخواهد می‌کند. ﴿ 》

[هر چه بخواهد (آن را در کمال قدرت و اختیار) انجام می‌دهد].

۱۰ - ایمان آوردن به آنچه ما آنها را ندیده ایم ولی وصف آن ها در اخبار و احادیث و قرآن آمده است مانند: عرش خداوندی، و کرسی، و بهشت، و دوزخ، و خوشی قبر و عذاب آن، و پل صراط، و ترازوی اعمال، و غیر از اینها، بدون هیچ تفسیر و تغییری در آنها.

۱۱ - ایمان به شفاعت پیامبر ﷺ، و شفاعت پیامبران دیگر، و فرشتگان، و افراد صالح، و غیر از اینها در روز قیامت، چنانکه شرح آنها در احادیث صحیح آمده است.

۱۲ - و این که مؤمنان خداوند را در روز قیامت در بهشت و در زمین محشر می‌بینند حق است، و کسی که آن را انکار کند و یا تفسیر نماید منحرف و گمراه است، و دیدن خدا در دنیا برای هیچکس ممکن نیست.

۱۳ - کرامات اولیاء و صالحین حق است، و هر امر خارق العاده از کرامات نیست، بلکه ممکن است برای ثابت کردن و آگاه کردن و راهنمایی و یا برای امتحان باشد، و ممکن است از تأثیر شیطان و گمراهان باشد، و میزان و معیار درست یا اشتباه بودن آن‌ها این است که آیا این کرامات در قرآن یا سنت پیامبر ﷺ آمده است یا نه؟

۱۴ - مؤمنان همه از اولیاء و دوستان خدایند، ولی ایمان آن درجه دوستی آنها را با خدا مشخص می‌کند.

:

۱ - خداوند متعال یگانه است، هیچ شریکی در ربوبیت و الوهیت و اسماء و صفات او نیست، و او معبود جهانیان است، فقط او مستحق تمامی انواع عبادتهاست.

۲ - انجام بعضی از عبادت‌ها مانند دعا، و کمک خواستن، و نذر، و قربانی، و توکل، و ترس، و امید، و دوستی، و مانند اینها برای غیر از خداوند شرک است، حال برای هر چه، و هر کس که قصد کند، چه فرشته‌ای مقرب، و یا پیامبری فرستاده شده، و یا بنده‌ای صالح و نیکوکار، و یا

برای غیر از اینها باشد.

۳ - از اصول عبادت این است که ما خدا را با دوستی و ترس و امید عبادت کنیم، و پرستش خدا فقط با بعضی از اینها ضلالت و گمراهی است. بعضی از علما چنین گفته اند: کسی که خداوند را فقط با دوست داشتن پرستش کند، او زندق است. و کسی که او را فقط با ترس پرستش نماید، از فرقه هروری است. و کسی که او را فقط با امید و پرستش کند از فرقه مرجئه می‌باشد.

۴ - گردن نهادن و راضی شدن و اطاعت مطلق و بی‌قید و شرط فقط برای خدا و رسول خدا ﷺ است، و ایمان داشتن به خدای تعالی، و این که او رب و إله است، و هیچ شریکی ندارد؛ و انجام چیزی که خدا به آن اجازه نداده، و قضاوت بسوی طاغوت و غیر از شریعت محمد ﷺ، و تغییر دادن بعضی از اینها کفر است، و کسی که ادعا کند که بعضی از مردم می‌توانند از شریعت و دین محمد ﷺ خارج شوند، کافر است.

۵ - حکم و قضاوت بسوی غیر از خدا کفر است، و ممکن است کفری کمتر از کفر اکبر باشد.

کفر اکبر مانند: قضاوت به غیر از شریعت خدا، و یا جایز دانستن آن قضاوت، کفر اکبر است.

کفر اصغر مانند: خارج شدن و ترک کردن دین خدا به

خاطر هوا و هوس در صورتی که مسلمان باشیم کفر اصغر است.

۶ - تقسیم دین به این که این قسمت مخصوص افراد خاص و نیکوکاران است، و جدایی دین از سیاست، و غیر از این ها همه باطل است، بلکه هر چه از حقیقت، یا سیاست و غیره، که با دین مخالفت کند، با توجه به مقام و منزلت آن چیز، کفر و یا گمراهی است.

۷ - غیر از خدا هیچ کس از غیب خبر ندارد، و اعتقاد اینکه غیر از خدا کسانی دیگر هم غیب می‌دانند کفر است، با ایمان داشتن به این که خداوند بعضی از پیامبران خود قدرتی داده که از عالم غیب خبر داشته باشند.

۸ - معتقد بودن به این که ستاره شناسان و جادوگران صادق اند کفر است، و رفت و آمد با آنها از جمله گناهان کبیره است.

۹ - دستورات خدا که در قرآن آمده است برای اطاعت و نزدیک شدن به اوست، و توسل سه نوع است:

أ - مشروع و جایز: توسل به خدا با اسما و صفات او، و یا به عمل و کردار نیک و صالح خود، و یا به دعای شخص صالح که زنده باشد.

ب - بدعتی: توسل به خدا با واسطه قرار دادن چیزهایی که در دستورات دین اسلام نیامده است، مانند توسل به ذات انبیا و صالحین و یا به جاه و منزلت آنها، و یا به حق آنها، و یا به حرمت آنها، و مانند اینها.

ج - شرك: مردگان را وسیله قرار دادن برای عبادت خدا، و واسطه قرار دادن آنها برای رسیدن به حاجت و نیازهای مان، و كمك و یاری خواستن از آن ها، و مانند اینها.

۱۰ - برکت از خدا خواستن، که این به بعضی از مخلوقات اختصاص دارد، و به دست نمی‌آید مگر با دلیل و نشانه ها، یعنی این برکت اجابت نمی‌شود مگر به خاطر خوبی‌های بسیار با ثابت بودن یا واجب بودن آن برکت ها. آن هم در زمان معین مانند شب قدر.

و در مکان معین مانند مساجد سه گانه (مسجد الحرام، و مسجد النبوي، و بیت المقدس).
و در چیزها مانند: آب زمزم، و در اعمال و کردار نيك و مبارك.

و در اشخاص مانند ذات انبیا، و برکت خواستن از خدا با وساطت اشخاص جایز نیست، نه به ذات آنها و نه به آثار آنها، مگر به ذات و آثار پیامبر ﷺ چون دلایلی به غیر از او نیامده، و با رحلت او ﷺ این امر هم از بین رفته است.
۱۱ - تبرك از امور توفیقي است، و تبرك جایز نیست مگر به آنچه بر آن دلیل وارد شده است.

۱۲ - زیارت مردم به قبرها سه نوع است:
الف): مشروع: زیارت قبرها برای یادآوری آخرت و سلام بر اهل آن قبرها و دعا بر ایشان.
ب): زیارت نامشروع: که با کمال توحید و یگانگی

منافات دارند و وسیله ای از وسایل شرک است: آن هم قصد عبادت خدا و قربت به خدا نزد قبرها، و گنج بری قبرها، و چراغانی کردن آنها، و آنها را عبادتگاه قرار دادن، و زیارت نامشروع به سوی آنها، و مانند اینها که دین اسلام آن را نهی کرده است، و یا این که در دین اسلام اصلی از آن وجود ندارد.

(ج): زیارتی که با توحید منافات دارد، مانند دعا و کمک و یاری و مدد خواستن از صاحب بعضی از قبرها، و طواف دور آنها، و قربانی و نذر برای آنها، و مانند اینها.

۱۳ - بعضی از وسیله ها حکم قصد و هدف و نیت شخص را دارند، و اگر این وسیله ها باعث شرک به خدا و بدعت در دین شوند، باید از بین بروند، زیرا هر بدعتی در دین گمراهی و ضلالت است.



:

- ۱ - ایمان: گفتار و عمل است، و کم و زیاد می‌شود، پس گفتار با دل و زبان است، و عمل با دل و زبان و اعضا می‌باشد.
- گفتار با دل: معتقد بودن به چیزی و درست و راست بودن آن چیز است.
- گفتار با زبان: اقرار کردن به آن چیزی که در دل است.
- و عمل با دل: تسلیم شدن و اخلاص داشتن به آن عمل، و دوست داشتن آن، و انجام آن عمل صالح و نیک است.
- عمل اعضا: انجام آنچه به آن امر شده، و دوری کردن از آنچه از آن نهی شده باشد.
- ۲ - هر کس عملش از روی ایمان نباشد او از گروه از دین برگشتگان است، و هر کس چیزی از بدعت در ایمان داخل کند او نوآور و بدعت گذارنده است.
- ۳ - کسی که به شهادتین اقرار نکند حتی اسم مؤمن هم نمی‌توان بر او گذاشت، نه در دنیا، و نه در آخرت.
- ۴ - اسلام و ایمان دو عمل شرعی است که بین آن دو عموم و خصوص وجود دارد، و اهل قبله مسلمان نامیده می‌شوند.
- ۵ - مرتکب گناه کبیره از ایمان خارج نمی‌شود، و او در دنیا مؤمن کم ایمان است، و در آخرت زیر مشیت خداست،

اگر خواست او را می‌بخشد، و اگر خواست او را عذاب می‌دهد.

یکتا پرستان مسیر آخر آنها بهشت است، شاید هم بعضی از آنها در آتش دوزخ عذاب ببینند، ولی هرگز کسی از آنها در آتش دوزخ جاویدان نخواهد ماند.

۶ - جایز نیست يك شخص معین را از اهل بهشت و یا دوزخ بدانیم، مگر کسیکه دستورات روشن و محکم قرآن و یا سنت در حق او آمده باشد.

۷ - کفر در دین اسلام به دو نوع تقسیم می‌شود:

کفر اکبر: که انسان را از دایره اسلام خارج می‌کند.
و کفر اصغر: که انسان را از دایره اسلام خارج نمی‌کند، و بعضی وقتها به آن کفر عملی هم گفته می‌شود.

۸ - تکفیر کردن و کسی را کافر دانستن از احکام دینی است که به قرآن و سنت موکول می‌شود.

پس جایز نیست مسلمانی را کافر دانست، نه به خاطر سخنانش، نه به خاطر کارش، تا زمانی که دلیل و نشانه‌های دینی و شرعی برای آن نداشته باشیم.

اگر سخن یا کار کسی از روی کفر باشد، نمی‌توانیم آن شخص را کافر بدانیم، مگر این که دلایل کفر بودن کار، یا سخن او به حقیقت رسیده باشد.

و تکفیر کردن از خطریرترین احکام شرع است، پس باید با دلیل و برهان باشد، و از تکفیر کردن مسلمان برحذر بود.

:

- ۱ - قرآن: حرف و معنای آن کلام خداست، نازل شده، و مخلوق نیست، مبدأ آن از خداست، و بسوی او باز خواهد گشت، و معجزه است که بر راست و درست بودن رسول الله ﷺ خبر می‌دهد، و تا روز قیامت محفوظ و مصون خواهد بود.
- ۲ - خداوند به آنچه بخواهد، و هرگاه بخواهد، و به گونه ای که بخواهد سخن خواهد گفت، کلام خداوند متعال با حرف و صدای حقیقی است، و چگونگی آن را نمی‌دانیم، و به آن وارد نمی‌شویم.
- ۳ - کلام خدا را به هر چیزی که نسبت دهیم مانند نفس، یا حکایت، یا عبادت یا مجاز، و یا فیض، و مانند آن گمراهی و خروج از دین است، و ممکن است کفر باشد.
- ۴ - کسی که چیزی از قرآن را انکار کند، و یا ادعای کمی یا زیاد بودن، و یا تحریف در آن نماید، کافر است.
- ۵ - تفسیر قرآن باید با روش و طریق راه گذشتگان باشد، تفسیر به رأی جایز نیست (من القول علی الله بغیر علم) از گفتار بدون علم است، و این گونه تفسیرها به تفسیر گروه باطنیه معروف است و کفر است.

:

- ۱ - از ارکان ایمان، معتقد بودن به قدر خیر و شر آن، و اینکه همه از طرف خداست، و شامل چند نکته می‌باشد:

 - ایمان به صریح و آشکار بودن قدر و مراتب آن از علم، نوشتن، مشیت، آفریدن، و این که سرنوشت هر انسانی در کتاب علم خداوند نوشته شده و هیچ قدرتی، توانایی تغییر دادن آن را ندارد، و هیچ فردی نمی‌تواند به دنبال علت این حکمت خداوندی برود (لا معقب لحمه).

- ۲ - اراده و امر وارده در قرآن و سنت بر دو نوع تقسیم می‌شود:
 - أ - اراده کونیه قدریه: به معنای خواست و مشیت خداوندی بر سرنوشت انسان در جهان خاکی.
 - ب - اراده شرعی: که همراه محبت است، و انجام آن شرعی است، و برای مخلوق اراده و مشیت است، ولی تابع اراده و مشیت خداست.
- ۳ - هدایت و گمراهی بندگان به دست خداست، خداوند بعضی از آنها را با فضل خود هدایت فرموده است، و بعضی را با عدل خود گمراه کرده است.
- ۴ - بندگان و کارهایی که انجام می‌دهند همه از خلق شدگان خداوند هستند، و خدا یکتاست و کارهای انسان را خداوند آفریده، و به صورت حقیقی انسان آن را انجام می‌دهد.

- ۵ - در همه کارها حکمت خداوند ثابت و پا برجاست، و نتیجه آن کارها هم به مشیت و اراده خداوند است.
- ۶ - اجل و زمان مرگ هر چیز نوشته شده است، و روزی هرکس تقسیم شده است، و سعادت‌مندی و بدبختی همه مردم قبل از آفریده شدن آنها نوشته شده است.
- ۷ - دلیل آوردن بر قدر، بر گناهان، و دردهاست، و دلیل آوردن برای عیب‌ها و گناهان جایز نیست، بلکه توبه از آنها واجب است، و انجام دهنده آن سرزنش خواهد شد.
- ۸ - سبب گرفتن مطلق، شرك در توحید است، و پشت کردن به سبب بطور کلی، عیب در شریعت است، و نفی تأثیر سبب مخالفت با شریعت و عقل است، و توکل کردن با گرفتن سبب منافات ندارد.

:

- ۱ - جماعت در اینجا یاران پیامبر و کسانی که به نیکی و احسان تا روز قیامت از یاران پیامبر پیروی کنند، هستند، و آنها گروه رستگار و نجات یافته اند، و هر کس به راه و روش آنها تمسک ورزد از جماعت به شمار می‌رود، حتی اگر هم در بعضی از جزئیات اشتباه کنند.
- ۲ - جدایی در دین جایز نیست، و فتنه و آشوب بین مسلمانان جایز نیست، برای حل اختلاف بین مسلمانان باید به قرآن و سنت پیامبر ﷺ و آنچه گذشتگان نیک گفته اند رجوع کرد.

- ۳ - کسیکه از گروه مسلمانان خارج شود نصیحت و دعوت و گفتگویی او (بالتی هی احسن)، و آوردن دلیل برای او واجب است، شاید توبه کرد، وگرنه کیفری که دین بر او واجب کرده بر او وارد خواهد شد.
- ۴ - بایستی مردم را بر جمله های ثابت در قرآن و سنت و اجماع علما راهنمایی نمود، و جایز نیست که عامه مسلمانان را به امور دقیق و معانی عمیق امتحان کرد.
- ۵ - در اساس همه مسلمانان قصد و نیت آنها صحیح و درست است، تا این که خلاف آن آشکار شود.
- باید که کلام و گفتار آنها را مانند گفتار خوب در نظر بیاوریم، و کسی که دشمنی و سوء قصد او ظاهر و آشکار شد، برای دفاع از او نمی‌توانیم گفتارش را تفسیر کنیم که او رهایی یابد.
- ۶ - گروه های مسلمان که از سنت صحیح خارج هستند، وعده هلاکت و آتش جهنم برای آنهاست، و حکم آنها حکم همه کسانی است که وعده و وعید برای آنهاست، بجز کسی که در باطن کافر می‌باشد.
- و گروه هایی که از دایره اسلام خارج می‌شوند همه کافر می‌باشند، و حکم آنها حکم مرتد و از دین برگشته است.
- ۷ - نماز جمعه و جماعت از بزرگترین نماد و نشانه ظاهری اسلام است، و نماز پشت سر کسی که پاك و متقی است (کسی بد او را نگفته) صحیح می‌باشد.
- و ترك نماز پشت سر کسی به این دلیل که او را

نمی‌شناسیم يك نوع نوآوری است.

۸ - نماز پشت سر کسی که بدعت خود را ظاهر و آشکار می‌کند، و یا فاجر و تبه‌کار است، با وجود امکان خواندن نماز پشت شخص دیگر صحیح نیست، و نماز خوانده شده پشت سرش صحیح است، و نمازگذار گناه کار می‌شود مگر این که قصد او بر طرف کردن فساد بزرگتر باشد، و اگر کسی دیگر بهتر از او پیدا نشد، و یا این که مانند او، و یا بدتر از او بود، نماز پشت سرش جایز است، و ترك نماز پشت سرش جایز نیست.

و کسی که حکم کفر بر او صادر شود نماز پشت سرش جایز نیست.

۹ - امامت کبری به وسیله اجماع همه مسلمانان، و یا بیعت اهل حل و عقد (علما و دانشمندان و بزرگان قوم) ثابت می‌شود، و کسی که بر مردم غلبه کرد و چیره شد و حکومت را گرفت و مردم را به طرف خود جلب کرد، اطاعت از او در امر معروف و واجب شده، و نصیحت او نیز واجب می‌گردد و نمی‌توان علیه او انقلاب کرد، مگر این که به طور آشکار کفر او ثابت شود، و از سخنان خداوند برهان و نشانه‌ای برای کفر او داشته باشیم.

۱۰ - نماز و حج و جهاد با فرمانروایان مسلمان واجب است، اگر هم آنها ظلم و ستم کنند.

۱۱ - جنگ بین مسلمانان برای کالای دنیایی و به خاطر تعصب قومی و جاهلی حرام است، و از گناهان کبیره به

شمار می‌رود، ولی جنگ با اهل بدعت و یاغی‌ها و هم مانند آنها جایز است، و اگر نتوانستیم از هیچ طریقی از دست آنها رهایی یابیم ممکن است واجب شود، مطابق با وقایع روز و همین زمان، حال با توجه به مصلحت جامعه و مردم با آنها بجنگیم که آن موقع جنگ واجب می‌شود.

۱۲ - صحابه و یاران پیامبر ﷺ همه عادل، و شهادت آنها مورد قبول است، و آنها بهترین افراد این امت هستند، و گواهی دادن بر ایمان و فضیلت آنها یکی از اصول قطعی و معلوم و آشکار و از ضروریات دین اسلام است، و محبت آنها دین و ایمان؛ و بغض آنها کفر و نفاق است. ما باید از آن چه بین آنها رخ داده است و از هر چیزی که موجب بهانه‌گیری و سرزنش و نکوهش در مقام و منزلت آنها می‌شود خودداری و دوری کنیم.

و بهترین آنها ابوبکر سپس عمر، سپس عثمان، سپس علی که خلفای راشدین هستند، و خلافت آنها به ترتیبی که اسامی آنها آمده درست است.

۱۳ - محبت کردن به اهل بیت رسول خدا ﷺ و یاری کردن آنها و گرامی داشتن قدر و منزلت زنان پیامبر که در حکم مادران همه مؤمنین هستند و شناخت برتری آنها، و دوست داشتن نیاکان و علما و دانشمندان سنت پیامبر ﷺ و (تابعین لهم باحسان)، و دوری از اهل نوآور در دین و هواپرستان همه نشانه‌هایی از دین روشن و آشکار اسلام است.

۱۴ - جهاد در راه خدا (ذروة سنام) (رکن اساسی) اسلام است، و تا روز قیامت ادامه دارد.

۱۵ - امر به معروف و نهی از منکر از بزرگترین احکام اسلام است، و آن باعث حفظ و نگهداری مردم می‌شود، و این دو بحسب توانایی و مصلحت معتبر واجب می‌گردد.

:

اهل سنت و جماعت که آنها گروه رستگار و طایفه کمک شده و پیروز هستند، با وجود تفاوت بین آنها ویژگیها و نشانه هایی دارند که آنها را از هم دیگر مشخص و جدا می‌کند، که عبارتند از:

۱ - سعی و کوشش در حفظ قرآن و خواندن و تفسیر آن، و تلاش در فهمیدن حدیث رسول ﷺ با فهم و ادراک و شناخت صحیح از خوب و بد آن، زیرا سرچشمه ایست برای پیروی کردن و انجام عمل بعد از دانستن آن علم.

۲ - ایمان آوردن به دین مبین اسلام و ایمان به قرآن بطور کلی، پس ایمان می‌آورند به وعده به بهشت و وعید (ترساندن از آتش دوزخ) و موارد صریح که در قرآن آمده است. و بین ایمان به قضا و قدر و اثبات اراده و مشیت برای بنده، و انجام آنها، و نیز بین علم و عبادت، و بین قوت و شفقت و رحمت، و بین عمل به اسباب و زهد بهترین آنها را انتخاب و به آن عمل میکنند.

- ۳ - پیروی و ترك نو آوری در دین و دوری کردن از تفرقه و اختلاف در دین.
- ۴ - دنباله روی و پیروی از کسانی که عادل شناخته شده اند و مردم از آنها پیروی می‌کنند مانند صحابه و کسانی که بر روش و راه آنها می‌روند، و دوری از کسانی که مخالف راه افراد عادل و صحابه هستند.
- ۵ - در بین کسانی که زیاده روی می‌کنند در انجام دادن و ادامه راه صالحین باید حد وسط و اعتدال را گرفت.
- ۶ - زیاده خواه بودن بر وحدت کلمه برای مسلمانان برحق، و یکی کردن صف های آنها بر توحید و یگانه پرستی، و پیروی و دور کردن از هر کسی که باعث دشمنی و جدایی گردد.
- از اینجاست که بر امت محمدی کسی برتری ندارد، مگر اهل سنت و جماعت، و بر هیچ چیز پشتیبانی و دشمنی نمی‌کنند، مگر بر اسلام و سنت پیامبر ﷺ.
- ۷ - دعوت به سوی خدا، و امر به معروف و نهی از منکر، و جهاد در راه خدا، و زنده نگه داشتن سنت پیامبر ﷺ، و عمل بر زنده کردن دوباره دین، و برپا نگه داشتن دین و حکم خدا در هر کوچک و بزرگ.
- ۸ - انصاف و عدل: پس آنها به حق خدا توجه می‌کنند، نه حق نفس خود، و طایفه و گروهی به همین سبب به افرادی که زیاده روی می‌کنند و در دشمنی بر کسی ظلم نمی‌کنند، و مقام کسی که صاحب دانش است کوچک و حقیر

نمی‌شمارند، حال هر کس خواهد باشد.

۹ - فهم و ادراک آنها یکی است، و با وجود دور بودن سرزمین های آنها از هم و حتی فاصله زمانی آنها با هم دیگر موافق هستند، و این از نتایج وحدت و یکی بودن منشأ برداشت آنهاست.

۱۰ - نیکی و رحمت و شفقت و خوش اخلاقی با تمامی مردم.

۱۱ - نصیحت برای خدا، و کتاب، و رسول خدا، و حکام و فرمانروایان مسلمان، و عامه مردم.

۱۲ - تلاش و کوشش در کار مسلمانان، و یاری کردن آنها، و بجا آوردن حقوق آنها، و دست کشیدن از اذیت و آزار آنها.

